

The Impact of Feminism Movements on the Evolution of the Concept of the Family

Maryam Ghanizadebafghi¹ Faeze Varmazyar*²

1. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: m.ghanizadebafghi@yahoo.com

2. Graduate of Women Studies (The trend of women's rights in Islam), Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: varmazyarfaeze@yahoo.com



Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.48300/JLR.2021.132620

Received:

28 June 2020

Accepted:

11 October 2020

Published:

6 September 2021



S.D.I.L.
The SD Institute of Law
Research & Study

ABSTRACT

The basis for the formation of feminism as a women's social movement was initially equality between men and women, but over time other currents emerged, some of which did not only fight for equal rights, but also held the view that women were superior to men. They were in all directions. Feminism entered the academy in the second half of the twentieth century and engaged in theorizing in many sciences. Among these, the family is one of the topics that has always been the focus of feminist theorists, and their different theories and orientations have changed the concept of the institution of the family in the last century. The present article first analyzes the two concepts of feminism and family, then examines the approach of feminism towards the family. Finally, the evolution of the

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



concept of family as opposed to feminism will be explained. The method of this research is analytical-descriptive and the results obtained from it show that sometimes the concept of family, its structure and functions have been changed in many ways under the influence of feminism and today we see a variety of structures as family institution.

Keywords: women's movement, patriarchy, homosexuality, abortion, gender.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article..

Author contributions:

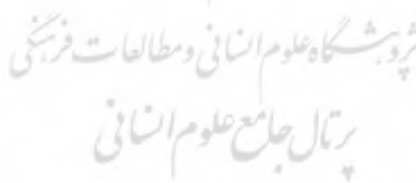
Maryam Ghanizade Bafghi: Conceptualization, Formal analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing.

Faeze Varmazyar: Conceptualization, Formal analysis, Investigation, Resources, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Ghanizadebafghi, Maryam & Faeze Varmazyar "The Impact of Feminism Movements on the Evolution of the Concept of the Family" *Journal of Legal Research* 20, no. 46 (Sep 6, 2021): 225-253.



تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده

مریم غنی زاده بافقی^۱ فائزه ورمزیار^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: m.ghb@khu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، دانشکده دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

✉ نویسنده مسئول: Email: varmazyarfaeze@yahoo.com

چکیده:

مبنای شکل‌گیری فمینیسم به‌عنوان یک جنبش اجتماعی زنان در آغاز، برابری میان زن و مرد بود اما به فراخور زمان، جریانات دیگری از آن متولد شدند که برخی از آنها تنها برای حقوق برابر به مبارزه برخاسته بودند، بلکه قائل به دیدگاه برتری زن نسبت به مرد در همهٔ جهات بودند. فمینیسم در نیمهٔ دوم قرن بیستم به حوزهٔ آکادمی ورود پیدا کرد و به نظریه‌پردازی در بسیاری از علوم پرداخت. در این میان خانواده یکی از موضوعاتی است که همواره مورد توجه نظریه‌پردازان فمینیسم بوده و نظریات متفاوت و جهت‌گیری‌های ایشان سبب تغییر در مفهوم نهاد خانواده در قرن اخیر شده است. نوشتار حاضر در ابتدا به تحلیل دو مفهوم فمینیسم و خانواده پرداخته، سپس رویکرد فمینیسم را نسبت به خانواده مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت نیز تحول مفهوم خانواده در تقابل با فمینیسم تبیین خواهد شد. روش این پژوهش تحلیلی - توصیفی بوده و نتایج به‌دست‌آمده از آن



نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:

JLR.2021.132620/10.48300

تاریخ دریافت:
۸ تیر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:
۲۰ مهر ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:
۱۵ شهریور ۱۴۰۰



پژوهش‌کده حقوق

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.

نشان می‌دهد که بعضاً مفهوم خانواده، ساختار و کارکردهای آن از بسیاری جهات تحت تأثیر مکتب فمینیسم دگرگون شده است و امروزه ما شاهد تنوعی از ساختارها تحت عنوان نهاد خانواده هستیم.

کلیدواژه‌ها:

جنبش زنانه، پدرسالاری، همجنس‌گرایی، سقط‌جنین، جنسیت.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

مریم غنی زاده بافقی: مفهوم‌سازی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش.

فائزه ورمزیار: مفهوم‌سازی، تحلیل، تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

غنی زاده بافقی، مریم و فائزه ورمزیار، «تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده». مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۰، ش. ۴۶ (۱۵ شهریور ۱۴۰۰): ۲۲۵-۲۵۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

جنبش اجتماعی فمینیسم که به دنبال رفع ستم از زنان و احقاق حقوق آنها است، چند دوره پس از شکل‌گیری، به تدریج به غنی‌سازی مباحث تئوریک پرداخت. این اندیشه، آزادی و حقوق فردی زنان را بسیار مهم تلقی کرده و فردگرایی را مبنای تفکرات خود قرار داده است. وقتی حقوق فرد بر اجتماع تقدم یابد به دنبال آن چالش‌هایی در رابطه با نهاد خانواده به وجود می‌آید؛ زیرا خانواده ارزشمندترین نهاد اجتماعی است که کارکردهای ویژه‌ای دارد. محور قرار دادن حقوق فردی در خانواده بالتبع کارکردهای آن را تغییر می‌دهد، هرچند که برخی از کارکردهای نهاد خانواده نیز بسته به زمان و مکان ممکن است دستخوش تغییراتی شوند و یا کارکردهایی نو ایجاد شود اما اگر این تغییرات به حدی برسد که اصل مفهوم خانواده را دگرگون ساخته و دچار انحراف بکند، برای بشر خسارت‌بار خواهد بود. با توجه به ارتباط تنگاتنگی که میان جنبش فمینیسم و خانواده است محور اصلی بحث در این نوشتار بررسی تأثیرات جنبش‌های فمینیستی بر مفهوم خانواده خواهد بود.

مهم‌ترین پرسش‌های مورد نظر در تدوین این پژوهش عبارتند از: ۱- جنبش‌های فمینیستی چه تأثیری بر مفهوم خانواده و تحول آن داشته است؟ ۲- تأثیرات فمینیستی برای دوام خانواده چگونه ارزیابی می‌شود؟ با توجه به این که بسیاری از آرمان‌های فمینیست‌ها از جمله دستیابی به حقوق برابر در حوزه‌های فردی، اجتماعی و ... در همهٔ امواج و گرایش‌ها به واسطهٔ نقش محوری زنان در خانواده به مفهوم این نهاد گره خورده است، بررسی تأثیرات این جنبش بر مفهوم نهاد خانواده و ارزیابی این تأثیرات ضروری تلقی می‌شود.

فرضیه تحقیق حاضر این است که مکتب فمینیسم از طریق مخالفت با ازدواج، تلاش در جهت ایجاد جامعهٔ دوجنسیتی، انکار غریزه مادری، اصلاح قوانین طلاق، رواج سیاست‌های تک حضانتی، مطالبهٔ حق سقط جنین، حق کنترل باروری بر تحول مفهوم خانواده تأثیرات منفی می‌گذارد. گستردگی و تنوع در گرایش‌های فمینیستی و در نتیجه وجود نگاه‌های مختلف به عناصر مرتبط با خانواده روند انجام پژوهش را دشوار می‌ساخت. بررسی‌های صورت گرفته در جهت رسیدن به پاسخ سؤالات مدنظر این پژوهش نشان داد که تحقیق جامع و کاملی در ارتباط با تأثیر جنبش‌های فمینیستی بر تحول مفهوم خانواده در ایران نیز به طور خاص انجام نگرفته است، از آنجایی که این تحقیق در صدد پاسخ به سؤالات دیگری است در این مقاله مجال برای بسط موضوع در حوزهٔ ایران نیست. نوشتار حاضر در ابتدا پیش از هر امری به تحلیل مفاهیم فمینیسم و خانواده می‌پردازد، سپس رویکرد فمینیسم را نسبت به خانواده مورد بررسی قرار داده و در نهایت تحول مفهوم خانواده در تقابل با فمینیسم را تبیین می‌کند.

۱- تحلیل مفهومی

۱-۱- فمینیسم

فمینیسم یک جنبش متحد نیست؛ اما از این دیدگاه ناشی می‌شود که زنان ستم‌دیده هستند.^۱ واژه فمینیسم برای اولین بار در سال ۱۸۳۷ وارد زبان فرانسه شد، فرهنگ لغت رُبر این کلمه را چنین تعریف می‌کند: «آیینی که طرفدار گسترش حقوق و نقش زن در جامعه است.»^۲ در تعریف دیگری فمینیسم به عنوان یک حرکت جهانی، سیاسی برای آزادی زنان توصیف شده است.^۳ بر اساس تعریف فلکس^۴ فمینیسم نظریه‌ای است که به تحلیل روابط جنسیت^۵ می‌پردازد.^۶

ریتزر^۷ به تعریف نظریه فمینیستی پرداخته و آن را یک سیستم گسترده و فراگیر از ایده‌ها در مورد زندگی اجتماعی و تجربه انسانی توسعه‌یافته از دیدگاه زنان می‌داند.^۸ دلمار^۹ نیز از «فمینیست» تعریفی ارائه کرده است که طبق آن فمینیست به کسی اطلاق می‌شود که معتقد باشد زنان به دلیل جنسیت گرفتار تبعیض هستند، آنان نیازهای مشخصی دارند که نادیده گرفته شده و ارضا نشده می‌ماند و لازمه ارضای این نیازها تغییر اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.^{۱۰}

فمینیسم را در آغاز شکل‌گیری می‌توان جنبش و نهضت اجتماعی دانست؛ اما از سال ۱۹۷۰ میلادی به بعد ضعف پشتوانه فکری و نظری فمینیسم موجب شد که فمینیست‌ها در سایر مکاتب به دنبال رفع این نقیصه بوده و بیشتر به عرصه نظریه‌پردازی و فرهنگ ورود پیدا کنند و در نهایت این جنبش، ماهیتی همچون نظریه اجتماعی پیدا کند.^{۱۱}

تکثر و تنوع فمینیسم سبب عدم‌ارائه تعریف واحد از آن است. با وجود این پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فمینیسم تقسیم‌بندی آن را به شکل «موج‌های سه‌گانه» و یا «گرایش‌های فمینیستی» مطرح نموده است. نوشتار حاضر در ادامه به سه موج فمینیسم که بر مبنای مقاطع تاریخی و از منظر جامعه‌شناسان تقسیم‌بندی شده است اشاره می‌کند. به علاوه اخیراً سخن از موج چهارمی نیز به میان

1. Pamela Abbott, Claire Wallace and Melissa Tyler, *An introduction to sociology: feminist perspectives* (London: Routledge, 2005), 12, 32.

۲. آندره میشل، جنبش زنان: فمینیسم، ترجمه هما زنجانی‌زاده (تهران: نیکا، ۱۳۸۳)، ۱۱.

3. Finn Mackay, *Radical Feminism* (New York: palgrave macmillan, 2015), 3.

4. Gane Flax.

5. Gender.

۶. حمیرا مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم (تهران: شیرازه، ۱۳۹۰)، ۴۴۴.

7. George Ritzer.

8. George Ritzer, *Sociological Theory* (New York: McGraw-Hill, 2011), 454.

9. Rosalinder Delmar.

۱۰. فاطمه واسعی و محمدجواد صفر یزدی، فمینیسم از فرازی خیالی تا فردی واقعی (قم: وحی و خرد، ۱۳۹۵)، ۳۱.

۱۱. نرگس رودگر، فمینیسم (قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۴)، ۲۵.

آمده است که در این نوشتار از آن غافل نخواهیم شد.^{۱۲}

۱-۱-۱- موج اول جنبش زنانه

موج نخست جنبش زنان از حوالی سال ۱۸۳۰ آغاز شد و تا حد زیادی تحت تأثیر سایر جنبش‌هایی فعال در اروپا و آمریکا شکل گرفت، این جنبش شامل دو مرحله بود که در مرحله اول محورهای مبارزه زنان اصلاح در نوع پوشش زنان، اصلاحات حقوقی، اصلاحات سیاسی، مرد ستیزی، نقد خانواده و ازدواج و در نهایت طرح برداشت‌های جدید از دین مسیحیت بود. در مرحله دوم انشعابی در جنبش زنان آمریکا پیش آمد که موجب شکل‌گیری دو سازمان مجزا در حمایت از حقوق زنان شد. «انجمن آمریکایی حق رأی زنان» که محور فعالیت آن حق رأی بود، به مسائلی همچون طلاق، نقد و نفی ازدواج علاقه‌ای نشان نمی‌داد. آنها معتقد بودند رسیدن به حق رأی، زنان را قادر می‌سازد که طیفی وسیع از مشکلات را حل کنند. در مقابل «انجمن ملی حقوق زنان» بود که مسئله زنان را «جنسیت» در ابعاد مختلف می‌خواند و به بحث‌های آنها راجع به قوانین طلاق و به چالش کشیدن مسائل خانوادگی می‌توان اشاره داشت. محورهای اصلی مرحله دوم از موج اول جنبش زنان شامل اصلاح لباس زنان، تفسیر مجدد از دین، درخواست خدمات رفاهی، برابری اقتصادی و حق رأی بود.^{۱۳}

۱-۱-۲- دوران افول موج اول جنبش زنانه

معمولاً زمان بین پایان موج اول تا آغاز موج دوم فمینیسم را دوره رکود این موج به علت برجسته نبودن فعالیت‌های سیاسی خاص فمینیستی می‌خوانند. ولی اگر چنین چیزی به‌طور عام ادعا شود انسان را دچار اشتباه می‌کند؛ زیرا یکی از تأثیرگذارترین آثار فلسفه مدرن فمینیستی کتاب جنس دوم اثر سیمون دوبووار است که در سال ۱۹۴۹ انتشار یافته است.^{۱۴}

۱-۱-۳- موج دوم جنبش زنانه

موج دوم، به از سرگیری فعالیت‌های فمینیستی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و سراسر ۱۹۷۰ اشاره دارد. این موج برخلاف موج اول که خواهان برخورداری از فرصت‌های برابر بود، با طرح شعار برابری کامل زن و مرد در تمام حوزه‌های اجتماعی، روانی و فرهنگی خواهان انقلابی اساسی در همه زوایای زندگی فردی و اجتماعی شد. برخی از دستاوردهای مهم این دوره مبارزه برای جدایی روابط جنسی از تولیدمثل؛ ظهور جنبش آزادی زنان در تمام امور، از جمله حق تسلط بر بدن و روابط جنسی از سال

۱۲. پی بردن به تصویر واقع‌بینانه‌تری از ریشه‌ها و علل ظهور فمینیسم، بررسی تاریخی وضعیت زنان از جوامع اولیه تا رنسانس و همچنین وضعیت آنها در قرن هفدهم و هجدهم را می‌طلبد که در پژوهش حاضر مجال پرداختن به آن نیست.

۱۳. مشیرزاده، پیشین، ۵۱، ۶۷-۷۶، ۸۵، ۸۷، ۱۱۲-۱۰۷.

14. Susan James, "The pervasiveness of male domination", in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, (England: Taylor and Francis, 1998), <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/feminism/v-1/sections/the-pervasiveness-of-male-domination> (July 9, 2020).

۱۹۶۵؛ کاهش ازدواج و زادوولد و افزایش آمار طلاق و تضعیف نهاد خانواده است.^{۱۵} برخی تحلیل‌ها و راهبردهای مهم قابل اشاره در این دوره نیز طرح نظریه پدرسالاری^{۱۶}، تفکیک میان جنس و جنسیت، همجنس‌خواهی در تمامی روابط، مخالفت با خانواده طبیعی^{۱۷} و ازدواج است.^{۱۸} به‌طور کلی در این جنبش ویژگی‌های افراطی و تندروی‌های بیشتری در زمینه پیگیری اندیشه‌های فعالان آن به چشم می‌خورد.

۱-۱-۴- موج سوم جنبش زنانه

از دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ واژه جامعه‌پسا صنعتی یا پست‌مدرن مصطلح شد و سرمایه‌داری بی‌سازمان به منصف ظهور رسید که دستیابی به سود بیشتر با نیروی کار آزاد، بازار آزاد کالا و سرمایه را سرلوحه خود قرار داد، بدین ترتیب دولت رفاه تضعیف گردید و زنان که به‌شدت تحت تأثیر این تحول قرار گرفته بودند، تصور کردند که شکل جدیدی از پدرسالاری در قالب سرمایه‌داری جدید بازتولید شده است و آنان قادر به رقابت با مردان در بازار آزاد کار و کالا و سرمایه نیستند و به دلیل بارداری و تربیت فرزندان، از فقدان یا تضعیف دولت رفاه آسیب می‌بینند. علاوه بر آن به دلیل افسارگسیختگی سرمایه‌داری جدید، آزار و اذیت‌های جنسی زنان به شکل نوین، در جامعه شایع شده بود. مسئله جهانی شدن نیز هویت بسیاری از زنان را دستخوش تغییر نمود و آنان را در فرایند جهانی شدن فرو برد. براین اساس، جنبش جدید فمینیسم شکل گرفت.^{۱۹} در این دوره انتقادات بسیاری از سوی جامعه و حتی خود فمینیست‌ها به تندروی‌های موج دوم فمینیسم وجود داشت که در شکل‌گیری فمینیسم‌های متعدد در موج سوم بسیار مؤثر بود؛ مانند فمینیسم سیاه، فمینیسم اسلامی، فمینیسم صلح‌طلب، اکوفمینیسم، فمینیسم همجنس‌خواه.^{۲۰}

۱-۱-۵- موج چهارم جنبش زنانه

در اوایل دهه ۹۰ میلادی جریانی تحت عنوان «قدرت دخترانه» با تفکری ایده‌آل آغاز شد. دختران شورشی این جریان، در آغاز مجلاتی برای دوستداران خود چاپ می‌کردند که در آن با انتقاد از آزار و اذیت جنسی، امید خود را برای جامعه انسانی‌تر مطرح می‌کردند. برخی فمینیست‌های جوان خواستار جنبشی هستند که برای کرامت بیش از حقوق اهمیت قائل شود، امروزه این فمینیست‌ها می‌خواهند به‌شدت خود را از فمینیسم چند سال پیش که پشتیبان هرزه‌نگاری است جدا بکنند. دعوا بر سر روح

۱۵. اسماعیل چراغی کوتیانی، خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده (قم): موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (۱۳۹۳)، ۴۴-۴۵.

16. Patriarchy.

۱۷. متشکل از مرد و زنی که بر پایه رابطه‌ای قانونی باهم زندگی می‌کنند.

۱۸. فریبا علاسوند، زن در اسلام (قم): مرکز نشر هاجر، (۱۳۹۷)، ۴۱۲-۴۱۴.

۱۹. فرشته فرح دوست و راحله رفیعی راد، «نگاهی بر وضعیت خانواده با رویکرد فمینیسم»، کتاب ماه علوم اجتماعی ۲۱ (۱۳۸۸)، ۹۵.

۲۰. رودگر، پیشین، ۶۳.

فمینیسم ادامه دارد.^{۲۱} شاید از همین جریان جدید و آرام که ذکر شد موج چهارمی از فمینیسم راه بیفتند.

امواج ذکرشده تغییراتی که فمینیسم در درون خود تجربه کرده است را طی تاریخ نشان می‌دهد. بی‌تردید این تغییرات در هر برهه زمینه‌ساز اصلاحات در تدوین قوانین علی‌الخصوص قوانین مربوط به حوزه خانواده بوده است.

۱-۲- مفهوم خانواده

خانواده از دیرباز تاکنون یک عنصر مهم جامعه بشری به‌شمار می‌رود که از آن تحت عنوان نهاد و همچنین قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی یاد می‌شود.^{۲۲} این نهاد به لحاظ کارکردهای متعدد از نگاه جامعه‌شناسان دور نمانده و ابعاد مختلف کارکردهای آن موردبررسی قرار گرفته است. در تعریف این نهاد نیز مطالب زیادی توسط جامعه‌شناسان مطرح شده که فرهنگ‌های متفاوت حاکم در جوامع بر آن اثرگذار بوده است. شایان ذکر است که معمولاً اندیشمندان هنگام تعریف نهاد خانواده بر بُعدی از ابعاد آنکه از نگاه خود مهم تلقی شده تأکید داشته‌اند.

خانواده در اسلام جایگاه قابل توجهی دارد به این ترتیب نسبت به تشکیل و تحکیم آن سفارش بسیار سفارش شده است. پژوهش حاضر در این بخش گذری بر مفهوم خانواده از منظر جامعه‌شناسی، حقوقی و اسلامی داشته است.

۱-۲-۱- مفهوم خانواده از منظر جامعه‌شناسی

دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه بررسی جامعه‌شناختی خانواده تأثیرات قابل توجهی بر جامعه‌شناسی داشته است.^{۲۳} گیدنز^{۲۴} معتقد است خانواده، گروهی از افراد وابسته به روابط خویشاوندی بوده که اعضای بالغ آنها مسئولیت مراقبت از کودکان را برعهده می‌گیرند.^{۲۵}

طبق دیدگاه کارکردگرایان وجود خانواده از نیازهای اساسی جامعه به‌شمار رفته که موجب بقای نظم اجتماعی می‌گردد.^{۲۶} پارسونز^{۲۷} از نظریه پردازان کارکردگرا خانواده هسته‌ای را خانواده‌ای نکاحی، فرزندنیاب، واحدی مصرفی و وابسته به شغل بیرون از منزل شوهر می‌داند.^{۲۸} وی این نوع خانواده

۲۱. وندی شلیت و نانسی لی دموس، دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری (تهران: معارف، ۱۳۸۸)، ۲۰۶، ۲۱۲.

۲۲. محمود حکمت نیا، حقوق زن و خانواده (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷)، ۱۹، ۲۹.

23. Abbott, Wallace and Tyler, op. cit., 14, 27.

24. Anthony Giddens.

25. Anthony Giddens, *Sociology* (UK: Polity press, 2006), 206.

26. Ibid, 238.

27. Talcott Parsons.

۲۸. زهرا امین مجد و محمدتقی کرمی، «الگوی تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده»، فصلنامه علمی ترویجی بانوان

شبیعه ۲۳ (۱۳۸۹)، ۹۷.

را به‌عنوان واحد مناسب و کارآمدی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه صنعتی برمی‌شمرد.^{۲۹} جامعه‌شناسان ایرانی نیز تعاریفی از خانواده داشته‌اند که برخی از آنها بدین شرح است؛ «خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی»^{۳۰} خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی بوده که بر اساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسناد یافته به چشم می‌خورد. سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است.^{۳۱}

خانواده یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی بوده که از همان آغاز تشکیل برخی از کارکردهای مهم اجتماعی را برعهده داشته است.^{۳۲} «اصطلاح خانواده گاه به گروهی از افراد که روابط «زن‌وشوهری» یا «پدر و مادر - فرزندی» میانشان وجود دارد اطلاق می‌شود و گاه مفهومی از یک گروه اجتماعی محدود را در بردارد که افرادش با روابط گوناگونی از جمله روابط خویشاوندی، به یکدیگر مربوط‌اند.»^{۳۳}

۱-۲-۲- مفهوم خانواده از منظر حقوقی

خانواده از منظر حقوقی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اگرچه از مباحث حقوق خصوصی است اما با نگاه حمایت از حقوق مردم به‌وسیله دولت‌ها از موضوعات حقوق عمومی نیز به‌شمار می‌رود. برخی حقوق دانان با توجه به ضابطه ارث تعریفی از خانواده ارائه داده‌اند؛ «خانواده گسترده، عبارت از گروهی است مرکب از شخص، خویشان نسبی و همسر او، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند.»^{۳۴} در این تعریف هسته مرکزی خانواده مرد نخواهد بود؛ زیرا از نظر قرابت و ارث پدر و مادر در یک طبقه و در یک درجه قرار می‌گیرند.^{۳۵}

خانواده مهم‌ترین رکن اجتماعی بوده که ایجاد و انحلال آن علاوه بر آنکه به اراده طرفین است، جامعه نیز نسبت به آن حساسیت دارد.^{۳۶} خانواده در تعریفی دیگر با اندکی مسامحه به این صورت آمده: «گروهی است که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و در رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است.»^{۳۷}

برای ارائه تعریفی جامع از خانواده مجموعه قواعد حقوقی و فقهی را باید باهم در نظر گرفت و به وضعیت موجود اجتماعی و تأیید زبان عرفی توجه داشت و خانواده را از نظر زمان تشکیل و استمرار

29. Giddens, op. cit., 238.

۳۰. باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده (تهران: سروش، ۱۳۸۹)، ۱۶۵.

۳۱. همان، ۱۶۵.

۳۲. شهلا اعزازی، دگرگونی در نقش زنان (تهران: علم، ۱۳۹۰)، ۱۱.

۳۳. جمشید بهنام، ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۲)، ۹.

۳۴. سیدحسین صفایی و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده (تهران: میزان، ۱۳۹۰)، ۱۱.

۳۵. حکمت نیا، پیشین، ۳۷.

۳۶. محمد روشن، حقوق خانواده (تهران: جنگل، ۱۳۹۱)، ۱.

۳۷. ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ۱۰.

متفاوت دید. خانواده دست‌کم از زن و شوهر تشکیل می‌شود و باوجود این دو یا یکی از این دو، به همراه فرزند یا فرزندان ادامه می‌یابد.^{۳۸}

۱-۲-۳- مفهوم خانواده از منظر اسلامی

دیدگاه اسلام درباره خانواده، طبیعی بودن ساختار آن بر اساس هدفمندی خلقت است؛ به این صورت که با آفرینش اولین انسان‌ها خانواده نیز شکل گرفت و منشأ شکل‌گیری خانواده نیاز فطری بشر بود. اندیشمندان مسلمان معتقدند در فطری بودن نیاز به تشکیل خانواده نباید شک کرد.^{۳۹} در قرآن کریم زوجیت به‌عنوان نقطه آغازین خانواده، اصلی همگانی در آفرینش معرفی شده که انسان نیز از این اصل مستثنا نیست. این پیوند که میان دو جنس مخالف برقرار می‌شود به اراده تکوینی و تشریحی خداوند مستند بوده و سعادت‌بخش و آرامش‌زا است. از همین رو تشکیل خانواده دارای زمینه تکوینی و ریشه‌های عاطفی و روحی بوده و موجب افزایش نسل نیز می‌شود.^{۴۰} اندیشمندان مسلمان هرگونه تحول در ساختار خانواده را خسارت‌بار خوانده و برخلاف نظم طبیعی خلقت می‌دانند، پافشاری دین بر تحولات با نگاهی ارزشمندانانه است که علوم اجتماعی ادعا و یا انگیزه‌ای در جهت حرکت به سمت آن ندارد، اگر دیدگاه طبیعی بودن خانواده مورد پذیرش قرار بگیرد، حفظ ساختار و مناسبات حقوقی ثابت در شرایط متحول اجتماعی ضرورت پیدا می‌کند و زمانی تحول خانواده از گسترده به هسته‌ای و یا شکل‌های جدید دیگر مورد قبول واقع می‌شود که ضوابط و مناسبات شرعی در هنگام تطور حفظ شود.^{۴۱}

۲- رویکرد فمینیسم نسبت به خانواده

فمینیست‌ها استدلال کرده‌اند که ذی‌نفعان واقعی سیستم خانوادگی، مردانی هستند که منافع آنها مستقیماً با ظلم و ستم زنان در ارتباط است، به عقیده بارت، فمینیست مارکسیست بیشتر مردان از مزیت مادی حضور زنان در خانه سود می‌برند.^{۴۲} فمینیست‌ها مکرراً اشاره کرده‌اند که خانواده سنتی نمی‌تواند در دنیای پسامدرن غالب باشد. بررسی کتب درسی دانشگاهی آمریکا در سال ۱۹۹۷ به جهت احیای آن نشان داد متون فمینیستی که به‌طور گسترده استفاده می‌شود ضد ازدواج بوده و پیامدهای مفید ازدواج برای افراد و جامعه را انکار می‌کند. بسیاری از منتقدین فمینیسم را تهدیدی برای خانواده می‌دانند، فمینیسم در حوزه خانواده با یک تناقض روبه‌رشد روبرو است.^{۴۳} برخی گرایش‌های فمینیسم معتقدند فرودستی زنان به تدریج از خانواده به جامعه راه یافته است.

۳۸. حکمت نیا، پیشین، ۳۸، ۴۲.

۳۹. محمدرضا زیبایی نژاد، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی (قم: هاجر، ۱۳۹۱)، ۱۳۴.

۴۰. علاسوند، پیشین، ۱۸۳-۱۸۴.

۴۱. زیبایی نژاد، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، ۱۳۵-۱۳۶.

42. Michèle Barrett, *Women's Oppression Today* (New York: Verso, 2014), 231.

43. Maxine Baca Zinn, "Feminism and family studies for a new century", *The Annals of the American Academy of Political and Social Science* 571(2000): 52-53.

به‌طور مثال فمینیسم رادیکال و سوسیالیسم خانواده را به‌عنوان محل اصلی ظلم و ستم به زنان معرفی می‌کند.^{۴۴} با نگاهی به موج‌های مختلف فمینیستی فعالیت برخی گرایش‌ها در جهت ایجاد تحول در ساختار نهاد خانواده قابل مشاهده است. روندی که به‌صورت مخالفت با ازدواج، تأکید بر رفع نگاه جنسیتی در خانواده، تلاش برای حذف مردسالاری و تغییر در ساختار نقش‌های مختلف زنان در خانواده همچون نقش مادری و همسری دنبال شده است. نوشتار حاضر در این بخش به رویکرد فمینیست‌ها نسبت به برخی عناصر مرتبط با خانواده می‌پردازد.

۲-۱- ازدواج

جنبش زنان از بدو شکل‌گیری، نقد به نهاد خانواده و اصل ازدواج را نیز به همراه داشت. برخی از رهبران موج اول ازدواج را نهادی می‌خواندند که زنان را از نظر جنسی تحت سلطه شوهر قرار داده، از لحاظ اقتصادی به آنها وابسته می‌کند و مانع آزادی زنان است. آنها مدعی بودند که تصورات رایج از ازدواج و خانواده در جهت از بین رفتن این مصیبت باید از بین برود.^{۴۵} برخی فمینیست‌ها در موج اول اصلاح نهاد خانواده و ازدواج را در اصلاح مردان و روابط میان دو جنس می‌دیدند^{۴۶}، بعضی از زنان به‌خصوص در سطح رهبری جنبش به ازدواج بدبین بودند.^{۴۷}

فمینیست‌ها خیلی علاقه‌ای به ازدواج ندارند. بسیاری از آنها ازدواج را مسبب اصلی قرن‌ها زبردست بودن زن‌ها نسبت به مردها می‌دانند. فمینیست‌ها در موج دوم، خواستار اصلاح ازدواج نبودند بلکه از بین رفتن آن را می‌خواستند.^{۴۸}

فمینیست‌های رادیکال ازدواج را متضمن انقیاد مستمر زنان به لحاظ اقتصادی، مالی، حقوقی، سیاسی و عاطفی می‌دانستند و به دنبال تغییر بنیادی خانواده و ازدواج بودند.^{۴۹} از راهبردهای آنها می‌توان به انقلاب جنسی، سیاست جداسازی زنان از مردان و سیاسی کردن زندگی خصوصی اشاره داشت.^{۵۰} دوبرووار^{۵۱} فمینیست اگزیستانسیالیست معتقد است که ازدواج زن را بنده مرد می‌سازد، او را ناقص کرده و عامل نابودی‌اش است.^{۵۲}

از سال ۱۹۶۵ نرخ خام ازدواج در ۲۷ کشور از اتحادیه اروپا به‌طور نسبی نزدیک به ۵۰٪

44. Mackay, op. cit., 56.

45. Susan, James, Sexual oppression and emancipation. *Feminism*, 1998, doi:10.4324/9780415249126-N022-1. Routledge Encyclopedia of Philosophy, Taylor and Francis, <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/feminism/v-1/sections/sexual-oppression-and-emancipation>.

۴۶. مشیرزاده، پیشین، ۷۵.

۴۷. همان، ۱۰۸.

48. Bryce J Christensen, *Divided We Fall: Family Discord and the Fracturing of America* (New Brunswick, N.J.: Transaction Publishers, 2006), 29.

۴۹. مشیرزاده، پیشین، ۲۸۴.

۵۰. حسین بستان، *نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم* (قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰)، ۱۰۸-۱۱۰.

51. Simone De Beauvoir.

52. Simone De Beauvoir, *The Second Sex*, Translation by Constance Borde and Sheila Malovany-Chevallier (New York: vintage, 2011), 506,586,587.

کاهش یافته و از ۷/۸ در هر ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۵ به ۴/۴ در سال ۲۰۱۷ رسید. بر اساس اطلاعات موجود برای همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۱۷ حدود ۱/۹ میلیون ازدواج تخمین زده شده است. در سال ۲۰۱۸ در بین ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا بالاترین نرخ خام ازدواج در قبرس ۷/۸ ازدواج به ازای ۱۰۰۰ نفر و در رومانی ۷/۴ بوده است. کمترین نرخ خام ازدواج در لوکزامبورگ ۳/۱ ازدواج به ازای هر ۱۰۰۰ نفر و ایتالیا ۳/۲ و پرتغال ۳/۴ گزارش شده است.^{۵۳}

۲-۲- جنسیت

جنسیت یکی از مضامین فمینیستی است که باعث تحول در مطالعات خانوادگی در دهه ۱۹۸۰ شد. از نظر فمینیست‌ها جنسیت در زندگی خانوادگی فراگیر بوده و جنبه‌های مختلفی از آن را سازمان‌دهی می‌کند.^{۵۴} در نظریه فمینیستی، جنسیت برخلاف جنس، به‌عنوان یک نقش اجتماعی ساخته شده تعریف می‌شود، بدین معنی که نتیجه نهایی تنظیمات سیاسی است و در معرض تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی قرار دارد. تقریباً در همه‌جا مردان از برتری اجتماعی ساختاری نسبت به زنان برخوردار هستند. در آغاز جنبش حقوق زنان، فعالان زن بر ایجاد تعادل در حقوق مدنی و سیاسی زن و مرد متمرکز شدند.^{۵۵}

دغدغه اصلی فمینیسم لیبرال، حقوق سیاسی و قانونی زنان و عادلانه بودن ساختارهای سیاسی است. آنها از توجه به حقوق زنان در محل کار نیز غافل نشده و توجه ویژه‌ای به آن دارند.^{۵۶} فمینیسم لیبرال نقش‌های جنسیتی تبعیض‌آمیز را عامل خلق سرنوشت‌های متفاوت برای زن و مرد می‌داند؛ بنابراین مخالف نقش‌های کلیشه‌ای (نقش‌های ثابتی چون مادری، کار خانگی زنان و ...) در خانواده و جامعه است. یکی از آرمان‌های فمینیسم لیبرال مقابله با تفکیک نقش‌ها و ایجاد جامعه‌ای دوجنسیتی است؛ به همین دلیل آنها امید دارند بتوانند از طریق قانونگذاری ساختارهای اجتماعی را دگرگون کرده و تفکیک جنسیتی نقش‌ها را از بین ببرند. کرافت^{۵۷} از نظریه‌پردازان فمینیسم لیبرال عقیده داشت نقش‌های مبتنی بر جنسیت طبیعی نیست و این مردها هستند که این نقش‌ها را در جهت منافع خود ساخته‌اند، وی آموزش‌های عمومی و فرصت‌های برابر برای زنان را از عوامل مهمی می‌دانست که با استفاده از آنها اهمیت تفاوت جنسیتی زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی آنها از بین برود.^{۵۸} فمینیسم مارکسیسم نیز که خانواده را به‌عنوان مکان کلیدی از ظلم زنان در یک مقیاس جهانی می‌داند، مبارزه برای آزادی جنسیت را بخش جدایی‌ناپذیر مبارزه با سرمایه‌داری می‌خواند.^{۵۹} بارت

53. "Eurostat", European Statistical Office, July 9, 2020, <https://bit.ly/3b1iRV1>.

54. Zinn, (op. cit.), 46.

55. Sheila Tobias, *Faces of feminism* (London: Routledge, 2014), 1, 2.

۵۶. عباس یزدانی و بهروز جندقی، مترجم، *فمینیسم و دانش‌های فمینیستی* (قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۸)، ۳۲۱.

57. Mary Wollstonecraft.

۵۸. رودگر، پیشین، ۷۰-۷۳.

59. Abbott, Wallace and Tyler, (op. cit), 45.

معتقد است ساخت هویت جنسیتی این اطمینان را می‌بخشد که همهٔ مردان از مزایای مردانگی در جامعه‌ای که بسیاری از این مزایا را به همراه دارد بهره‌مند شوند.^{۶۰} فمینیسم سوسیالیسم نیز قائل به این است که زنان هم از سوی طبقه و هم از سوی جنسیت مظلوم واقع شده‌اند، آنها اثر بالقوه رفع اختلافات طبقاتی را رفع اختلافات جنسیتی برمی‌شمارند.^{۶۱} فمینیسم رادیکال بنیادی‌ترین ساختار ستمگری را متعلق به جنسیت می‌خواند. رادیکال‌ها برای نشان دادن ریشه‌های ستم جنسی، تحقیقات گسترده‌ای انجام داده‌اند تا جایی که به پیگیری مباحث جنسیتی در زبان، رفتارهای فردی و اجتماعی و فرهنگ‌ها پرداختند. فمینیست‌های رادیکال تقسیم وظایف را به زنانه و مردانه، کاری خطا می‌دانند و از آرمان‌های‌شان تحقق جامعه فاقد جنسیت است.^{۶۲}

۲-۳- پدرسالاری

اصطلاح پدرسالاری در اصل از زبان یونانی گرفته شده و درحال حاضر عموماً به معنای حاکمیت مرد یا تسلط مردان است، فمینیسم رادیکال به وجود پدرسالاری اعتقاد داشته و به دنبال خاتمه آن است، تحلیل پدرسالاری یکی از مؤلفه‌های اصلی این گرایش فمینیستی به‌شمار می‌رود.^{۶۳} فمینیسم رادیکال بر سلطه پدرسالاری در مجموعهٔ خانوادگی به‌عنوان علت اصلی انقیاد زنان تأکید داشته و درجهت پیشبرد اهداف خود به نقد بنیادین دولت، به‌عنوان تجلی‌گاه اصلی پدرسالاری پرداخته است.^{۶۴} نظریهٔ پدرسالاری اگرچه در ابتدا، توسط رادیکال‌ها بنیان گذاشته شد، اما از سوی سایر گرایش‌ها به‌استثنای فمینیسم لیبرال موردقبول واقع گردید.^{۶۵} رادیکال‌ها استدلال می‌کنند سلطهٔ مردان بر زنان در شیوهٔ تولید پدرسالاری مدت‌ها قبل از توسعه سرمایه‌داری وجود داشته است. فمینیست‌های مارکسیستی معتقدند که وابستگی اقتصادی زنان به مردان نتیجهٔ رشد سرمایه‌داری صنعتی است. فمینیست‌های سوسیالیست نیز می‌گویند که قدمت ایدئولوژی پدرسالاری به قبل از سرمایه‌داری برمی‌گردد اما روشی که زنان در جوامع صنعتی از آن مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند نتیجه تعامل این ایدئولوژی با روابط مادی تولید می‌باشد.^{۶۶} در مجموع نظریات فمینیستی بیانگر آن است که فرهنگ پدرسالارانه به‌غیراز مواردی که به‌طور مستقیم سبب تقویت نابرابری جنسی می‌شود به‌صورت غیرمستقیم نیز تأثیرگذار است؛ مثلاً از طریق تأثیری که بر وضع قوانین محدودکننده زنان به‌جا می‌گذارد و یا شکل دادن به ساختارهای اقتصادی،

60. Barrett, (op. cit.), 231.

۶۱ یزدانی و جندقی، پیشین، ۳۲۴.

۶۲ محمدرضا زیبایی نژاد و محمدتقی سبحانی، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام* (قم: هاجر، ۱۳۹۰)، ۱۰۸ - ۱۱۰.

63. Mackay, (op. cit.), 5, 61, 119.

۶۴ مرتضی مردی‌ها، «مبانی فلسفی فمینیسم رادیکال»، *فصلنامه سیاست* ۲ (۱۳۸۷)، ۲۳۶.

۶۵ پریسا راد، «پدرسالاری، بن‌بست فمینیست‌ها تأملی در نسبت و رابطهٔ میان زنان و مردان»، *فصلنامه حوراء* ۲۷ (۱۳۸۷)، ۱۸.

66. Abbott, Wallace and Tyler, (op. cit.), 173.

با تأثیر بر رشد روانی - جنسی افراد و یا تأثیر بر فعالیت‌های زیستی مانند تولیدمثل زنان. این نظریات نشان می‌دهند که قوانین تبعیض‌آمیز نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تداوم نابرابری جنسی مؤثرند؛ این قوانین نیز از طریق تأثیر بر ساختارهای اقتصادی، روانی، فرهنگی و زیستی اثر خود را بر جای می‌گذارند. عناصر روان‌شناختی نیز علاوه بر تأثیر مستقیم بر تفوق حقوق مردان، در شکل دادن به جنبه‌های ایدئولوژیک فرهنگ پدرسالارانه، شکل دادن به ساختار حقوقی جامعه و در نهایت ایجاد ساختارهای زیستی و اقتصادی که دربردارنده سلطه مردان است، اثر خود را نشان می‌دهد. همچنین عناصر زیست‌شناختی تأثیر مستقیم بر فرودستی زنان داشته و با تأثیر بر جنبه‌های روان‌شناختی و ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و حقوقی، موجب تشدید سلطه مردان بر زنان می‌شود.^{۶۷}

۲-۴- مادری

مادری برای فمینیست‌ها هیچ معنایی ندارد و آنها از خانواده به شکل سنتی متنفرند و بیش از هر چیز می‌خواهند نقش مادری از بین برود.^{۶۸} بسیاری از فمینیست‌ها در موج اول که عقاید سیاسی تندی داشتند پس از دستیابی به حق رأی به این نتیجه رسیدند که ریشه مطیع شدن زنان نه در زندگی مدنی آنها، بلکه در زندگی خصوصی آنها به‌عنوان مادر یا همسر است.^{۶۹}

نابرابری جنسیتی و ستم جنسی دو نظریه تأثیرگذار فمینیسم است، نظریه اول به موقعیت متفاوت و نابرابری که زنان و مردان تجربه می‌کنند، اشاره دارد و نظریه دوم به رابطه مستقیم قدرت بین مردان و زنان تأکید دارد که به‌واسطه آن زنان تابع بوده و مورد سوءاستفاده مردان قرار می‌گیرند.^{۷۰} این نظریات بر حوزه مادری بی‌تأثیر نبوده است، صاحبان نظریه اول در پی آن هستند با الگو قرار دادن برنامه عملی مردان، زنان را به فعالیت‌های اجتماعی وارد کنند، گروهی از طرفداران نظریه دوم نیز مادری به شکل کنونی آن را بی‌ارزش خوانده و معتقدند به تغییرات بنیادین احتیاج دارد. صاحبان این دیدگاه راه‌حل‌های زیادی برای حل مشکل مادری پیشنهاد دادند از جمله؛ تمیز دو وجه مادریت زیستی و اجتماعی، جداسازی بین نهاد مادری و تجربه مادری و در نهایت تأکید بر فناوری‌های جدید برای تولیدمثل.^{۷۱}

برخی برای تحقق راه‌حل اول به دنبال سپردن مسئولیت تربیت فرزندان به دولت هستند. برخی دیگر نیز اشتراک والدین در نگهداری از کودک را راهکار این امر معرفی می‌کنند. شایان‌ذکر است که کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان در ماده پنجم، بند «ب» از اجتماعی بودن مادری دفاع می‌کند؛ چراکه فمینیست‌ها معتقدند مردسالاری حاکم بر جوامع بشری موجب شده مادری تحت عنوان نقشی

۶۷. بستان، پیشین، ۷۰ - ۷۲.

68. Christensen, op. cit., 29.

69. James, op. cit.

70. Ritzer, op. cit., 460.

۷۱. نرگس خدای، مادری، حقوق و مسئولیت‌ها (مجموعه علمی، ۱۳۹۴)، ۲۴-۲۹.

زنانه تعریف شود.^{۷۲} معتقدین به راه‌حل دوم عنوان می‌کنند نهاد مادری در نظام مردسالار شکل می‌گیرد و عامل ظلم به مادران می‌شود، آنها مادری را ظرفیتی می‌دانند که مردها از آن برای دوام مردسالاری خود بهره می‌جویند. منشأ پیدایش راه‌حل سوم نیز این است که برخی فمینیست‌ها ریشه نابرابری زن و مرد را در قدرت باروری زنان می‌دانند، بنابراین نسل بشر باید با تأکید بر پیشرفت‌های فناوریانه باشد تا کودکان از راه آزمایشگاه متولد شوند.^{۷۳}

۲-۵- طلاق

رویکرد فمینیسم نسبت به شکل‌گیری نهاد خانواده و ازدواج پیش‌تر ذکر گردید، همان‌طور که شاهد بودیم از ابتدای آغاز جنبش فمینیسم درخصوص نهاد ازدواج اتفاق نظر وجود نداشت. برخی نهاد ازدواج را کلاً ناعادلانه می‌دیدند اما برخی دیگر مایل به براندازی آن نبودند.^{۷۴} این موضع‌گیری‌ها در موج دوم ادامه داشت و نظرات رادیکال‌ها به شکلی تند، مخالفت برخی از آنها با اصل ازدواج را می‌رساند. طبق نظر برخی رادیکال‌ها در این موج، طلاق امری مثبت تلقی شد اما راهی فرعی به‌شمار می‌رفت و راه اصلی رهایی زنان از هر نوع رابطه سلطه‌آمیزی، جدایی‌طلبی^{۷۵} بود. فمینیست‌های رادیکال موج دوم معتقد بودند زنان تنها از طریق قطع رابطه یا کم کردن رابطه با مردها می‌توانند از تأثیرات جهان مردانه آزادشده و به خودآگاهی کامل برسند.^{۷۶}

فمینیسم به دنبال اصلاح قوانین طلاق و دستیابی آسان به آن بود، این جنبش تأکید داشت که در طلاق باید همان راه‌های خروجی مرد عیناً برای زن هم باشد.^{۷۷} دستیابی به طلاق آسان یکی از دستاوردهای فمینیسم مارکسیست بود که به دنبال انقلاب بلشویکی به آن رسید.^{۷۸}

در دهه ۱۹۷۰ جنبشی برای اصلاح قوانین طلاق، ایالات متحده را تحت‌الشعاع خود قرارداد و منجر به اتخاذ گسترده مبانی «طلاق بدون تقصیر»^{۷۹} شد.^{۸۰} اولین بار در سال ۱۹۷۰ قانون این نوع طلاق در کالیفرنیا به اجرا درآمد.^{۸۱} نیویورک آخرین ایالت از پنجاه ایالتی بود که طلاق بدون تقصیر را در سال ۲۰۱۰ قانونی کرد.^{۸۲} در این نوع طلاق دولت عموماً از همسری حمایت می‌کند که خواهان

۷۲. همان ۲۷-۲۸.

۷۳. همان، ۲۹.

۷۴. مشیرزاده، پیشین، ۷۴-۷۵.

75. Separatism.

۷۶. همان، ۲۸۵.

۷۷. زهرا فدایی، «شناخت و تحلیل تفاوت‌های حقوق خانواده از منظر اسلام و فمینیسم» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۵)، ۱۳۲.

۷۸. رودگر، پیشین، ۷۸.

79. No fault divorce.

80. Lynn D. Wardle, "No-fault divorce and the divorce conundrum", *Byu Law Review* 79(1991): 79.

81. *Ibid*, 87.

82. Lauren Guidice, "New York and Divorce: Finding Fault in a No-Fault System", *JL & Pol'y* 19(2011): 788.

طلاق است، حتی اگر این همسر مرتکب خطا شده باشد.^{۸۳} اصلاح قانون طلاق تأثیرات فراوانی بر ازدواج و خانواده داشت. مقایسه آمار طلاق در نیمه دهه ۱۹۵۰ با نیمه دهه ۱۹۷۰، حاکی از افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ طلاق در کشور آمریکا است. ازدواج و طلاق در دهه ۱۹۹۰ به لحاظ حقوقی به صورت قراردادی مطرح شد که از خرید و فروش یک خودرو نیز آسان‌تر بود و به لحاظ اجتماعی نیز به رابطه خصوصی و شخصی بین دو نفر فرد مجرد و بالغ اطلاق گردید.^{۸۴}

نرخ طلاق در ایالات متحده طبق گزارش مرکز ملی آمار بهداشت در سال ۲۰۰۰ در هر ۱۰۰۰ نفر ۴/۰ بود و در سال ۲۰۱۸ میزان آن ۲/۹ شد. آمار ازدواج نیز در آن ایالات در سال ۲۰۰۰ از هر ۱۰۰۰ نفر ۸/۲ بود که در سال ۲۰۱۸ مقدار آن ۶/۵ شد.^{۸۵} هرچند به ظاهر در این بازه زمانی ۱۸ ساله آمار طلاق مقداری کاهش یافته است اما لازم به ذکر است آمار ازدواج حتی با وجود افزایش جمعیت از کاهش قابل توجهی برخوردار بوده است. لذا افزایش روابط آزاد جنسی و قوانین حمایتی در جهت همجنس‌گرایی ممکن است موجب کاهش ازدواج‌ها گشته و طبیعتاً کاهش طلاق را نیز در برداشته باشد.

از سال ۱۹۶۵ نرخ خام طلاق در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا تقریباً بیش از دو برابر شده است. از ۰/۸ در هر ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۵ به ۲ نفر در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است. بخشی از این افزایش ممکن است به دلیل قانونی شدن طلاق در این بازه زمانی در برخی کشورهای اتحادیه اروپا مانند ایتالیا، اسپانیا، ایرلند و مالت بوده باشد. در سال ۲۰۱۷ برای همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۰/۸ میلیون طلاق اتفاق افتاده است. در سال ۲۰۱۸، پایین‌ترین نرخ خام طلاق در اتحادیه اروپا در مالت به میزان ۰/۷ طلاق به ازای ۱۰۰۰ نفر ثبت شده است. در عوض، نرخ طلاق در لتونی و لیتوانی بالاترین بوده و در هر دو ۳/۱ طلاق به ازای هر ۱۰۰۰ نفر گزارش شده است.^{۸۶}

۲-۶- فرزندان

در گذشته مراقبت از کودکان بدون شک مهم‌ترین فعالیتی بود که زنان در جامعه انجام می‌دادند. پیش از دهه ۱۹۶۰، مرسوم بود مادران در خارج از خانه مشغول کار نباشند؛ این روالی بود که با سیاست‌های اجتماعی تأیید و تقویت می‌شد اما به مرور دیدگاه هنجاری و نقش مادرانه در پاسخ به خواسته‌های فمینیستی برای برابری اجتماعی و اقتصادی شروع به تغییر کرد، در اواخر دهه ۱۹۹۰، زنان فرزندان کمتری داشتند و مادران به‌طور فزاینده‌ای مسئولیت‌های مراقبت از کودکان را به دیگران محول می‌کردند چراکه آنها وارد نیروی کار شده بودند.^{۸۷}

83. Christensen, (op. cit.), 5, 46.

۸۴. محمدعلی محمدی، «فمینیسم و خانواده»، *مطالعات راهبردی زنان* ۲۹ (۱۳۸۴)، ۳.

85. "Centers for Disease Control and Prevention", National Vital Statistics System, May 5, 2020, <https://www.cdc.gov/nchs/fastats/marriage-divorce.htm>.

86. "Eurostat"

←87. Neil Gilberta, *Mother's Work: How Feminism, the Market, and Policy Shape Family Life* (United

بین سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹، هزینه‌های عمومی برای مراقبت از کودکان در ایالات متحده ۶۰٪ افزایش یافت.^{۸۸} فمینیسم در موج دوم بر از بین بردن نقش‌های مرسوم زنان، تلاش برای تأمین حق نداشتن فرزند (کنترل تولد، سقط‌جنین) و انتخاب نکردن خانه در مراقبت از فرزند (فرصت شغلی، مهدکودک) متمرکز شد.^{۸۹}

از طرفی فمینیست‌هایی که رویکردی مثبت در طلاق داشتند نیز معتقد بودند با طلاق برای زن و مرد آزادی و زندگی امیدوارانه‌تری را می‌توانند جستجو کنند، این در حالی است که فرزندان طلاق به شدت از این مسئله آسیب می‌بینند.^{۹۰}

برخی فمینیست‌ها معتقدند که حقوق والدین به خصوص پدر به‌روشنی از حقوق کودک جدا است؛ اما در مورد مادران می‌گویند سرنوشت حقوق کودک در دست ماست، این امر گاهی محرومیت فردی پدر و فرزند را به دنبال دارد به‌گونه‌ای که پدر را از پرورش فرزند و پدر بودن محروم می‌کند و فرزند را از پرورش و پدر داشتن محروم می‌نماید.^{۹۱}

اصولاً فمینیست‌ها توجه چندانی به فرزند ندارند ولی به‌محض آنکه موضوع به زن مربوط شود در کار او هم به‌عنوان فردی که مربوط به زنان است مداخله می‌کنند. نتایج عملی همه شکل‌های فمینیسم افراطی که در طول تاریخ تجربه‌شده به شیوه‌ای کینه‌توزانه ضد کودک بوده است.^{۹۲} اهمیت بسزایی که عناصر یادشده از نگاه فمینیسم داشت به دلیل ارتباط خاص آنها با نهاد خانواده بود. فمینیست‌ها ریشه فرودستی زنان را تفاوت‌ها، نابرابری‌ها و ستم‌های جنسی می‌بینند و با توجه به این نظریات عناصر ازدواج، جنسیت، پدرسالاری، مادری، طلاق و فرزندان در خانواده اهمیت می‌یابد. شکل‌گیری خانواده از طریق ازدواج است، بسیاری از نقدهای فمینیست‌ها، نسبت به نگاه جنسیتی در خانواده است، نظام مردسالاری که فمینیسم از آن به‌عنوان مهم‌ترین عامل انقیاد زنان یاد می‌کند از خانواده به جامعه تسری می‌یابد، مهم‌ترین نقش زنان یعنی مادری درون خانواده شکل می‌گیرد، وجود این مسائل موجب شده است که رویکرد فمینیست‌ها نسبت به موضوعات طلاق و پرورش صحیح فرزندان نیز که جامعه سالم را برای انسان‌ها تضمین می‌کنند، تحت تأثیر قرار گیرد. پژوهش حاضر در بخش سوم به تحول مفهوم خانواده با توجه به رویکردهای یادشده می‌پردازد.

۳- تحول (تطور) مفهوم خانواده در تقابل با فمینیسم

همان‌طور که آموزه‌های بنیادین حقوقی، اصلاح قانون و تحولات اجتماعی از تعامل بین تئوری و عمل توسعه‌یافته‌اند. تئوری حقوقی فمینیستی نیز از تجربه زنان در حرفه حقوقی پدید آمده و

States: Yale University, 2008), 9.

88. Ibid, 125.

89. De Marneffe, *Maternal desire* (New York: Simon & Schuster, 2019), 24.

۹۰. محمدی، پیشین، ۱۴۵.

۹۱. استوارت رین، *تأثیر فمینیسم بر فرزندان*، ترجمه کنایون رجبی راد (قم: معارف، ۱۳۸۷)، ۳۹-۴۰.

92. William D. Gardner, *The war against the family* Canadian: stoddart, 1993(, 302.

به‌نوبه خود در شکل‌گیری این تجربه نقش داشته است. ورود زنان به دانشکده‌های حقوق منجر به گسترش تدوین قوانین با رویکرد فمینیستی و نظریه حقوقی فمینیستی شده است. نظریه پردازان حقوقی فمینیسم به موضوعات مطرح‌شده از مشکلات زنان در حرفه حقوقی علاقه‌مند هستند و توسعه دیدگاه‌های نظری متنوع این زمینه به‌طور چشمگیری بر تلاش به‌منظور اصلاح قوانین تأثیر گذاشته است.^{۹۳} نگاه‌های متفاوت فمینیسم در تعریف خانواده، حقوق افراد در آن، ماهیت، ویژگی و کارکردهای آن، تأثیراتی در طول تاریخ بر مفهوم این نهاد داشته و به دنبال آن تغییراتی در مفهوم خانواده در برخی جوامع ایجاد کرده است. در این قسمت از نوشتار به‌طور مصداقی به برخی از این تغییرات از جمله مشروعیت روابط جنسی و همجنس‌گرایی^{۹۴}، سقط جنین و ایجاد خانواده‌های تک‌والد که فمینیسم سهم بزرگی در شکل‌گیری یا پیشرفت آنها داشته، پرداخته‌شده است.

۳-۱- مشروعیت روابط آزاد جنسی

اساساً یکی از هدف‌های ازدواج و تشکیل خانواده از ابتدا تأمین نیازهای جنسی زن و مرد بود و بروز رفتارهای جنسی در چهارچوب خانواده صورت می‌گرفت.^{۹۵} فمینیست‌ها با ترویج روابط آزاد جنسی در غرب این قاعده را بر هم زدند. هرچند در ظاهر بی‌بندوباری جنسی مهیج‌تر به نظر رسیده و آمار بالایی از این روابط در کشورهای غربی قابل مشاهده است اما پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رابطه جنسی در چهارچوب زندگی مشترک برای افرادی که شیوه رابطه جنسی نامشروع را تجربه کرده‌اند رضایت‌بخش‌تر است.^{۹۶} به زنان می‌گفتند که حتی اگر تمایلی ندارید به خاطر حمایت از فمینیسم و رابطه به‌اصطلاح مثبت جنسی با جنس مرد رابطه برقرار کنید. افرادی چون اتوود^{۹۷} تساوی به معنای واقعی را تساوی در خوبی و بدی می‌دانند. دختران زیادی در غرب در زمینه هرزگی با یکدیگر در حال رقابت هستند که دچار جهل پلورالیستی^{۹۸} شده‌اند. آزادی روابط جنسی ازدواج مردها را به تأخیر انداخته است، والدین را با فشار اجتماعی زیادی مواجه کرده به‌طوری‌که آنها غیر ارزش‌ها را بر فرزندان خود تحمیل می‌کنند؛ چراکه روابط آزاد جنسی به‌صورت هنجار اجتماعی جدیدی در جامعه شکل گرفته است.^{۹۹}

فمینیسم از طریق ترویج طلاق آسان به‌گونه‌ای مشوق ایجاد یک نوع نظام تعدد زوجات بوده است. در این نظام مردها در طول زندگی خود می‌توانند تعداد زیادی همسر جوان داشته باشند. درحالی‌که فرزندآوری و شانس یافتن همسری مناسب توسط زنان به چند دهه زودگذر از زندگی آنها

93. Cynthia Grant Bowman and Elizabeth M. Schneider, "Feminist Legal Theory, Feminist Lawmaking, and the Legal Profession", *Fordham Law Review* 67(1998): 255-256.

94. Homosexuality.

۹۵. فدایی، پیشین، ۸۵.

۹۶. شلیت، پیشین، ۴۱-۴۲.

97. Margaret Atwood.

98. Pluralistic Ignorance.

۹۹. شلیت، پیشین، ۴۰-۴۳، ۵۲-۵۳.

منحصر است. زنان مطلقه سه برابر کمتر از مردانی که همسران خود را طلاق داده‌اند فرصت ازدواج مجدد دارند. بعد از آزادی جنسی در سوئد میزان ازدواج از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳، ۵۰٪ کاهش یافت و میزان طلاق افزایش یافت.^{۱۰۰} بدین ترتیب سوئد در سال ۲۰۱۹ شاهد ۲۵ هزار و ۴۰۸ طلاق بود.^{۱۰۱} روابط جنسی آزاد سهمیه‌بندی جفت‌ها را از بین برد.^{۱۰۲} فرهنگ نفرت از مرد را گسترش داد و مردان غیرقابل اتکایی را به وجود آورد که برای رابطه جنسی به جای تلاش در رسیدن به زنان به یکدیگر روی می‌آورند.^{۱۰۳}

در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نسبت کودکانی که خارج از ازدواج متولد شده‌اند در سال ۲۰۰۰ میلادی از ۲۵٫۴٪ به حدود ۴۲٫۴٪ در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است. این نسبت نشانگر پیدایش الگوهای جدید تشکیل خانواده در کنار الگوی سنتی است. زایمان‌های خارج از ازدواج در روابط غیرزنانشویی، در بین زوجین همباش و والدین مجرد اتفاق می‌افتد. زادوولد خارج از ازدواج در چندین کشور عضو اتحادیه اروپا و همچنین دو کشور غیر اتحادیه اروپایی عضو شنگن در سال ۲۰۱۸ بیشتر از زایمان‌های حاصل از ازدواج بود. به گزارش وبسایت رسمی اداره آمار اروپا این میزان در فرانسه ۶۰/۴٪، بلغارستان ۵۸/۵٪، اسلونی ۵۷/۷٪، پرتغال ۵۵/۹٪، سوئد ۵۴/۵٪، دانمارک ۵۴/۲٪، استونی ۵۴/۱٪ و هلند ۵۱/۹٪، ایسلند ۷۰/۵٪ و نروژ ۵۶/۴٪ می‌باشد.^{۱۰۴}

آمارها بیانگر این است که وقوع آزادی جنسی منجر به کاهش رغبت افراد به ازدواج و بروز انحرافات اخلاقی شده، در این شرایط نظام خانواده سنتی دستخوش تغییر قرار گرفته و کارکردهای آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که امروزه شاهد پیدایش خانواده‌هایی با والدین مجرد در بسیاری از جوامع هستیم.

۳-۲- همجنس‌گرایی

ظاهر شدن مسئله «همجنس‌گرایی» در هر دو شاخه لیبرال و رادیکال جنبش زنان، منتج به بخشی از جنبش آزادسازی همجنس‌گرا و لزبین شد که در اواخر دهه ۶۰ ظهور کرد و راه را برای ظهور گروه‌های فمینیستی لزبین در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ هموار کرد.^{۱۰۵}

آغاز تصویب قوانین «ازدواج زنان و مردان همجنس‌باز» در برخی کشورها به جنبش فمینیسم سرعت بیشتری داد. از این زمان معنای ازدواج، رضایت تام تفسیر می‌شد. ازدواج، یک نشان، وضعیتی بود که ازدواج با همجنس هم در آن توجیه می‌شد و با قوانین اجتماعی مشروعیت می‌یافت.

100. D.gairdner, (op. cit.), 319-320.

101. "Number of divorces in Sweden from 2011 to 2021," statista, <https://www.statista.com/statistics/523949/sweden-total-number-of-divorces/>.

۱۰۲. محمدی، پیشین ۱۴۴.

103. D.gairdner, (op. cit.), 319.

104. "Eurostat"

105. Verta Taylor and Leila J. Rupp, "Women's culture and lesbian feminist activism: A reconsideration of cultural feminism", *Journal of Women in Culture and Society* 19 (1993): 37.

دولت هم هیچ نظارت یا کنترلی بر آن نداشت، زیرا یک قرارداد اجتماعی بین افراد جامعه بود.^{۱۰۶}

استاینم^{۱۰۷} یکی از رهبران جنبش فمینیسم، براندازی نظام سرمایه‌داری را برای فمینیسم کوچک برشمرده و معتقد است که باید کل نظام مردسالاری را واژگون کرد. زن‌ها باید خود را از قید عمده‌ترین عامل اجتماعی استثمار که مردها هستند رها کنند. همجنس‌بازی زنان نیز از همین جا محور فمینیسم افراطی قرار می‌گیرد.^{۱۰۸}

جوامع فمینیستی لزبین از جدایی کامل از مردان به‌عنوان یک استراتژی دفاع می‌کنند و دگرجنس‌گرایی را نهادی از کنترل مردسالاری و روابط لزبین را به‌عنوان ابزاری برای براندازی سلطه مردان می‌دانند. به عقیده آنها جدایی طلبی وسیله‌ای برای تقویت و حفظ هویت فمینیستی است.^{۱۰۹} برخی فمینیست‌ها به دنبال ارتقای حقوق زنان همجنس‌باز هستند. در یکی از همایش‌های فمینیسم در ادمنتون^{۱۱۰} مطرح می‌شود که سنگینی بار نهضت فمینیسم بر دوش زنان همجنس‌باز بوده است.^{۱۱۱} کمیته ملی اقدام کشور کانادا در این سال‌ها سرسختانه به دنبال اعمال نفع‌دهایی در زمینه حقوق زنان همجنس‌گرا بوده است. امروزه کادر کاملاً فمینیستی وجود دارد که تحت عنوان آزادی از جامعه مردسالار در ترویج همجنس‌بازی تلاش می‌کنند، حتی مقدار زیادی از درآمد مالیاتی صرف حمایت از چنین برنامه‌هایی می‌شود.^{۱۱۲}

درحال حاضر سازمان ملل در بیانیه‌ای خواستار جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی در سراسر جهان بوده و برخی از کشورهای اروپایی، قوانین تبلیغات «همجنس‌گرایان» را تصویب کرده یا مورد بحث قرار داده‌اند و اتحادیه اروپا نیز به دنبال ارتقای حقوق همجنس‌گرایان در سطح بین‌المللی است.^{۱۱۳} قوانین مربوط به روابط همجنس‌گرایان تقریباً در کشورهای عضو اتحادیه اروپا متفاوت است. برخی از کشورها به همجنس‌گراها و لزبین‌ها اجازه ازدواج داده‌اند و برخی دیگر قوانین جداگانه‌ای را برای شرکای همجنس ایجاد کردند. طبق رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، هرگونه تمایز بین زوجین غیرهمجنس و شرکای همجنس، تبعیض بر اساس گرایش جنسی در نظر گرفته می‌شود.^{۱۱۴} فعالیت

۱۰۶. محمدی، پیشین، ۱۴۳-۱۴۴.

107. Gloria Steinem.

108. D.gairdner, (op. cit.), 300.

109. Taylor and Rupp, op. cit., 43.

110. Edmonton

۱۱۱. ۷۵ تا ۹۰٪ برخی از سازمان‌های فمینیستی شرکت‌کننده در این همایش همجنس‌باز بودند. همجنس‌بازی زنان نتیجه خودمختاری فمینیستی است، اگر به همین صورت ادامه پیدا کند به تکریم از خودارضایی برای رهایی از مردان، خود باروری و تک سرپرستی به‌صورت اوج آزادی می‌انجامد.

D.gairdner, op. cit., 301.

112. Ibid, 300, 301, 318.

113. Rosamund Shreeves, *The rights of LGBTI people in the European Union*, (European Union: European Parliamentary Research Service, 2020), 2.

114. Linas Juozulynas and Krzysztof miszek, *The Equal Jus Legal Handbook to LGBT Rights in Europe*, (2011), 22.

جنسی همجنس در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا از لحاظ حقوقی آزاد است و در ۱۴ کشور از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا ازدواج همجنس‌گرایان قانونی است.^{۱۱۵}

قانون ازدواج همجنس‌گرایان در کانادا سال ۲۰۰۵ پس از هلند، بلژیک و اسپانیا، به تصویب رسید، کانادا چهارمین کشور در جهان بود که ازدواج با زوجین همجنس را تأیید کرد.^{۱۱۶} همچنین در سال ۲۰۱۵ دیوان عالی آمریکا ازدواج همجنس‌گرایان را در همه ایالت‌های آمریکا قانونی اعلام کرد.^{۱۱۷} بر اساس بررسی انجمن جامعه آمریکا، خانوارهای همجنس‌گرا ۰/۸٪ از کل خانوارهای آمریکا را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۱۷ یک میلیون خانوار با زن و شوهر همجنس در ایالات متحده آمریکا وجود داشته‌اند که تقریباً نیمی از آنها ۵۱/۷٪ زوجین زن بودند.^{۱۱۸}

باتوجه به حمایت‌های حقوقی از افراد همجنس‌گرا در جوامع غربی و آمریکایی از جمله تلاش در جهت جرم‌زدایی از همجنس‌گرایی، مشروعیت‌بخشی به روابط لژیون‌ها، تصویب قوانین ضد تبعیض و قانونمند ساختن ازدواج همجنس‌گرایان امروزه شاهد قالب‌های جدیدی از خانواده در این جوامع هستیم که در آن والدین (هر دو زن یا هر دو مرد) همجنس هستند.

۳-۳- سقط‌جنین

فمینیست‌ها سقط‌جنین را حق خود و آن را خاتمه دادن به وابستگی جسمانی جنین به مادر می‌دانند زیرا معتقدند زنان مالک جسم خویش هستند و اگر جنین را نخواهند، می‌توانند وی را به قتل برسانند.^{۱۱۹} تامسون^{۱۲۰} از فمینیست‌های معاصر معتقد است که جامعه نمی‌تواند زن باردار را مجبور به نگه‌داشتن جنین و پرورش آن بکند. لیبرال‌ها و رادیکال‌ها در مطالبه حق سقط‌جنین اتفاق نظر داشتند. بحث اصلی فمینیست‌های رادیکال این بود که زایمان و پرورش فرزندان، وظایف خانگی و اجتماعی نابرابری بر دوش زنان گذاشته است، آنها تلاش کردند که این نابرابری را با واگذاری وظایف مربوط به تولد و تربیت فرزند به دیگران از بین ببرند.^{۱۲۱} یک عنصر اساسی برنامه آنها تقاضای بی‌چون‌وچرای تسلط بر جسم خودشان بود که از طریق سقط‌جنین مبتنی بر پشتوانه مالیاتی انجام بگیرد.^{۱۲۲} لیبرال‌ها نیز هرگونه اعمال کنترل مردان یا دولت بر این حقوق فردی زنان را نفی

115. "Wikipedia, the free encyclopedia", Wikimedia Foundation, August 7, 2020, https://en.wikipedia.org/wiki/LGBT_rights_in_Europe.

116. Hilary A. Rose, "Canada's same-sex marriage law: Exception to or exemplar of Canada's family policy?", *Journal of Child and Family Studies* 21(2012): 88-94.

117. "Georgetown Law", Georgetown University Law Center, July 29, 2020, <https://guides.ll.georgetown.edu/c.php?g=592919&p=4182201>.

118. "Census Bureau", U.S. Census Bureau, September 18, 2019, <https://www.census.gov/library/stories/2019/09/where-same-sex-couples-live.html>.

۱۱۹. محمد نودری فردوسی، «سقط‌جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم»، *مطالعات راهبردی زنان* ۲۸ (۱۳۸۴)، ۴۹-۵۰.

120. Thomson.

121. D.gairdner, (op. cit.), 427.

122. Ibidem.

می‌کردند.^{۱۲۳} در همین راستا فمینیست‌های مارکسیست توانستند امکان سقط‌جنین را به‌عنوان یکی از دستاوردهای خود ثبت کنند.^{۱۲۴}

دوبووار معتقد به کنترل باروری و سقط‌جنین قانونی بود. برای او حاملگی نمونه رضایت دادن زنان به تنزل در حد یک شیء بود.^{۱۲۵} وی غریزه مادری را انکار کرده و تأکید داشت این کلمه برای نوع انسان صدق نمی‌کند.^{۱۲۶}

فمینیسم در تلاش بود به‌طور کلی پدر را از حوزه تصمیم‌گیری در مورد حیات و مرگ کودکی که فرزند او نیز هست خارج کند، مطالبه سقط‌جنین بی‌حدومرز مورد حمایت مردم واقع نشد، هنگامی که رادیکال‌ها متوجه مخالفت‌هایی با سقط‌جنین بدون مرز شدند اهداف خود را در شعارهایی همچون «کودک ناخواسته، نه!»^{۱۲۷} و «زن حق کنترل بر بدن خود را دارد»^{۱۲۸} جای داده و تحت لوای واژگانی زیبا پنهان کردند. آنها مسئله را از قالب حق سقط‌جنین به قالب حقوق مدنی تغییر داده و این موضوع را به‌گونه‌ای جلوه دادند که هر کس بنا به هر دلیلی مخالف سقط‌جنین باشد مخالف آزادی است.^{۱۲۹} در حال حاضر تنها ۵٪ از زنان بارور در کشورهای زندگی میکنند که سقط‌جنین به‌طور کلی در آن ممنوع است. ۲۲٪ در کشورهایی هستند که سقط‌جنین تنها در شرایط خاص و در صورتی که زندگی زن در معرض خطر باشد، مجاز خواهد بود. ۱۴٪ در کشورهایی زندگی می‌کنند که سقط‌جنین بر اساس دلایل بهداشتی یا درمانی مجاز است. ۲۳٪ در کشورهایی که قوانین، سقط‌جنین را به دلایل گسترده اجتماعی یا اقتصادی مجاز می‌دانند و ۳۶٪ در کشورهایی زندگی می‌کنند که در صورت درخواست مادر سقط‌جنین مجاز خواهد بود.^{۱۳۰} تقریباً هر ساله ۱۲۱ میلیون حاملگی ناخواسته هر سال بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹ در جهان رخ داده است. از این حاملگی‌های ناخواسته، ۶۱٪ (۷۳ میلیون) با سقط‌جنین به حاملگی پایان دادند.^{۱۳۱}

قانونی ساختن سقط‌جنین یکی از مسائل مطرح‌شده به دنبال آزادی در روابط جنسی بود که بسیاری از کشورها به آن دست یافتند. سقط‌جنین عاملی بود که موجب راحت‌تر شدن روابط خارج از ازدواج می‌شد، به این ترتیب در کاهش ازدواج و شکل‌گیری خانواده به شیوه معمول اثرگذار بوده و

۱۲۳. مشیرزاده، پیشین، ۲۸۷.

۱۲۴. رودگر، پیشین، ۷۸.

۱۲۵. دافنه دمارنف، *غریزه مادری*، ترجمه آزاده وجدانی (تهران: معارف، ۱۳۸۹)، ۳۸.

126. De Beauvoir, (op. cit.), 607, 629.

127. Baby Unwanted, No!

128. The woman has the right to control her body.

129. D.gairdner, (op. cit.), 428-429.

130. "Center for Reproductive Rights", Center for Reproductive Rights, April 26, 2019, <https://reproductiverights.org/worldabortionlaws>.

131. Jonathan Bearak et al "Unintended pregnancy and abortion by income, region, and the legal status of abortion: estimates from a comprehensive model for 1990-2019", *Lancet Glob Health* 8(2020): 52, July 22, 2020, [https://doi.org/10.1016/S2214-109X\(20\)30315-6](https://doi.org/10.1016/S2214-109X(20)30315-6).

موجب افزایش شکل‌گیری خانواده‌هایی با والدین مجرد می‌گردید. علاوه بر این قوانین سقط‌جنین در تغییر جمعیت خانواده‌های سنتی نیز اثرگذار بود، به‌نحوی که در بسیاری از کشورها منجر به کاهش تعداد فرزندان در خانواده‌ها گردید.

۳-۴- ایجاد خانواده‌های تک والد

اداره سرشماری ایالات متحده در گزارشی تعداد والد تنها در این ایالات را در سال ۲۰۱۶ تقریباً ۱۳/۶ میلیون تخمین زده است که این والدین مسئول تربیت ۲۲/۴ میلیون کودک بودند.^{۱۳۲} افزایش تعداد «والدین تنها» یکی از تغییرات اساسی ایجادشده در خانواده است، چنین خانواده‌هایی که در سال ۱۹۷۱، ۸٪ خانواده‌های دارای فرزندان نابالغ را تشکیل می‌دادند، در سال ۱۹۹۲، ۲۱٪ را به خود اختصاص دادند.^{۱۳۳} طبق تعریف دفتر سرشماری آمریکا اصطلاح «خانواده تک والد» به یک واحد خانواده اطلاق می‌شود که شامل یک فرد بالغ و حداقل یک کودک تحت تکفل است که با تولد یا فرزندخواندگی خویشاوند شدند.^{۱۳۴} گذرگاه‌های ورود به خانواده تک والدی موارد متعددی است اما ۶۰٪ از این خانوارها در پی طلاق حاصل شده‌اند.^{۱۳۵}

قانون طلاق بدون تقصیر در کشورها، مقررات سنتی را برای تربیت فرزند بدون توافق بر سر یک سیستم جدید برچید. این قانون تا حد زیادی در هدف اصلی خود یعنی تقویت تحریم‌های اجتماعی علیه طلاق موفق بود. پس از گذشت ۱۰ سال از تصویب این قانون در کالیفرنیا نرخ طلاق به دو برابر افزایش یافت؛ این امر بدین معناست که ۵۰ تا ۶۰٪ کودکانی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به دنیا آمدند، احتمالاً فروپاشی ازدواج پدر و مادرشان را در سن ۱۸ سالگی تجربه کرده‌اند.^{۱۳۶}

معمولاً مادرانی که طلاق می‌خواهند، حضانت فرزند را هم به‌دست می‌آورند و تحت قانون طلاق بی‌تقصیر وقتی شوهری بی‌گناه است حتی خیانت زن هم شانس پیروزی او را برای گرفتن حضانت فرزندان کم نمی‌کند و نفقه کودکی که قرار است از شوهر سابقش دریافت کند را به‌خطر نمی‌اندازد.^{۱۳۷}

هرچند که خانواده تک والد در بخش قابل توجهی از خانواده‌های آمریکایی وجود دارد، اما همچنان به‌عنوان یک شکل خانوادگی منحرف یا بیمار تلقی می‌شود. آمارهای آمریکا نشان می‌دهد کودکان درگیر در طلاق در دو دهه سه برابر شد، تعداد فرزندان طلاق از ۳۶۱،۰۰۰ در سال ۱۹۵۶ به

132. "Census Bureau", U.S. Census Bureau, February, 2020, <https://www.census.gov/library/publications/2018/demo/p60-262.html>.

133. George w. Brown and Patricia m. Moran, "Single mothers, poverty and depression", *Psychological Medicine* 27(1997): 21.

134. Roberta G. Sands and Kathleen E. Nuccio, "Mother-headed single-parent families: A feminist perspective" *Women and Social Work* 4(1989): 28]

135. Giddens, (op. cit.), 225-226.

136. June R. Carbone, "A Feminist Perspective on Divorce", *The Future of Children* 4 (1994): 183-209.

137. Christensen, (op. cit.), 46.

۱۱۱۷،۰۰۰ در سال ۱۹۷۶ رسید. آمارها در سال ۱۹۷۷ به جایی رسید که تقریباً میزان طلاق‌ها (۱/۱ میلیون) نیمی از میزان ازدواج‌ها (۲/۲ میلیون) بود.^{۱۳۸} البته بیشترین موارد درخواست طلاق، در دهه ۱۹۸۰ مربوط به زنان بود؛ زیرا در خارج از قواعد ازدواج و همسری، می‌توانستند وارد جامعه شده و از دسترنج و دستمزد خود، به هر نحوی استفاده نمایند.^{۱۳۹}

در سال‌هایی که ۷۷ میلیون کودک در آمریکا زندگی می‌کردند، ۶۰٪ آنها کودکان طلاق بودند. دادگاه‌های خانواده درگیر اعمال نفوذهای فمینیستی بودند و سیاست تک سرپرستی یا تک حضانتی از سیاست‌های رایج در آنها بود، همین موجب شد که بسیاری از کودکان با مادرشان زندگی کنند. آمارها در ایالات متحده نشان می‌دهد درصد بالایی از جوانان زندانی، اخراجی‌های مدارس، کودکانی که اختلالات رفتاری از آنها سر می‌زند و جوانانی که خودکشی می‌کنند به دلیل بدون پدر بزرگ شدن و یا عدم حضور فیزیکی و پویای پدر در خانواده است. گرچه مدت زیادی است که بحث حضانت فرزندان داغ است اما در حقیقت حق و حقوق خود کودک به فراموشی سپرده شده است چراکه کودکان در مقامی نیستند که بخواهند از نظام نامتعادل تک حضانتی خرده بگیرند.^{۱۴۰}

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل مهمی که جنبش فمینیسم از آغاز به آن گره خورده بود، مسئله خانواده است. فمینیسم در طول عمر خود همواره به بررسی و تبیین علت فرودستی زنان پرداخته؛ لیکن از بررسی نقش‌های مختلف زنان نیز غافل نمانده و بعضاً برخی نقش‌های آنها در خانواده را مورد انتقاد قرار می‌دهد. مقابله با برخی نقش‌های زنان در خانواده همچون نقش مادری توسط برخی جریان‌های فمینیستی نمونه‌ای از تأثیر آنها بر مفهوم خانواده، ساختار و کارکردهای آن است. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بسیاری از گرایش‌های فمینیستی بیش از آنکه حق و تکلیف را در کنار هم برای زنان و همچنین نهاد خانواده مدنظر قرار دهند، پافشاری بر دستیابی به حقوق یک‌جانبه کرده‌اند. نگاهی بر قوانین در حوزه خانواده که تحت تأثیر جنبش‌های فمینیسم می‌باشد و همچنین رویکردهای فمینیسم نسبت به عناصر مرتبط با خانواده نشان می‌دهد که این جنبش‌ها با ایجاد یک سری وقایع به‌طور مستمر و ثابت، از مجموعه تغییرات کوچکی که در هر برهه هنگام احقاق حقوق زنان ایجاد کردند به تغییراتی بزرگ دست‌یافته و پیشرفت ثابتی در تحول مفهوم خانواده داشتند. این پیشرفت بدین صورت است که اولین واقعه زمینه‌ای برای دستیابی به وقایع و تحولات بعدی خواهد بود. فمینیسم با رویکردهایی که نسبت به نهاد ازدواج، جنسیت در خانواده، مفهوم پدرسالاری، غریزه مادری، قوانین طلاق و فرزندان داشته در شناخت حقوق به خطا رفته، چراکه در این رویکردها طبیعی بودن ساختار

138. Slater Courtenay M. "Divorce, Child Custody, and Child Support", *Special Studies* 84(1979): 1.

۱۳۹. محمدی، پیشین، ۱۴۴.

۱۴۰. رین، پیشین، ۲۰-۲۴.

خانواده بعضاً به چالش کشیده شده است. جریان‌هایی از جنبش فمینیسم با ساختارشکنی در برخی دوره‌ها، تأثیراتی منفی بر نهاد خانواده گذاشتند. آنها علاوه بر اینکه مستقیماً در صدد نابودی نهاد ازدواج و خانواده بودند، بازوی پیش برنده برخی شیوه‌های نامتعادل زندگی همچون همجنس‌گرایی و یا زندگی با روابط جنسی آزاد نیز شدند. به موجب فعالیت‌های چنین جریان‌های فمینیستی آمار سقط‌جنین و خانواده‌های تک سرپرست نیز افزایش یافت. این سبک‌های زندگی پیشنهادی به دنبال خود عواقب غیرقابل جبرانی از جمله کاهش رشد جمعیت و اختلاط در نسب در زندگی بشر را به دنبال دارد. شایان ذکر است تمامی پیامدهای حاصل از رویکرد فمینیسم نسبت به مفهوم خانواده دگرگونی این مفهوم را به‌طور غیرطبیعی و در جهت مخالف با فطرت بشر نشان می‌دهد و بیشتر از آنکه موجب دوام ساختار خانواده گردد در صدد فروپاشی این نظام بوده است.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اعزازی، شهلا. دگرگونی در نقش زنان. چاپ اول. تهران: علم، ۱۳۹۰.
- امین مجد، زهرا و محمدتقی کریمی. «الگوی تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده». فصلنامه علمی ترویجی بانوان شیعه ۲۳ (۱۳۸۹): ۹۵-۱۳۰.
- بستان، حسین. نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم. چاپ چهارم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
- بهنام، جمشید. ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران. چاپ دوم. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۲.
- چراغی کوتبانی، اسماعیل. خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده. چاپ دوم. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
- حکمت نیا، محمود. حقوق زن و خانواده. چاپ پنجم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
- خدای، نرگس. مادری؛ حقوق و مسئولیت‌ها. چاپ اول. قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۹۴.
- دمارنغ، دافنه. غریزه مادری. چاپ اول. ترجمه آزاده وجدانی. تهران: معارف، ۱۳۸۹.
- راد، پریسا. «پدرسالاری، بن‌بست فمینیست‌ها تأملی در نسبت و رابطه میان زنان و مردان». فصلنامه حوراء. ۲۷ (۱۳۸۷): ۱۸-۲۸.
- رودگر، نرگس. فمینیسم. چاپ دوم. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۴.
- روشن، محمد. حقوق خانواده. چاپ دوم، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- رین، استوارت. تأثیر فمینیسم بر فرزندران. چاپ اول. ترجمه کتابیون رجی راد. تهران: معارف، ۱۳۸۷.
- زیبایی نژاد، محمدرضا. جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی. چاپ اول. قم: هاجر، ۱۳۹۱.
- زیبایی نژاد، محمدرضا و محمدتقی سبحانی. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب). چاپ سیزدهم. قم: هاجر، ۱۳۹۰.
- ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. چاپ دوازدهم. تهران: سروش، ۱۳۸۹.
- شلیت، وندی و نانسی لی دموس. دختران به عفاف روی می‌آورند. چاپ سوم. ترجمه سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری. تهران: معارف، ۱۳۸۹.
- صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی. مختصر حقوق خانواده. چاپ سی‌ام. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- علاسوند، فریبا. زن در اسلام. چاپ ششم. قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۷.
- فدایی، زهرا. «ساخت و تحلیل تفاوت‌های حقوق خانواده از منظر اسلام و فمینیسم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، تهران: دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۵.
- فرح دوست، فرشته و راحله رفیعی راد. «نگاهی بر وضعیت خانواده با رویکرد فمینیسم». کتاب ماه علوم اجتماعی ۲۱ (۱۳۸۸): ۹۲-۱۰۱.
- کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده. چاپ نهم. تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- محمدی، محمدعلی. «فمینیسم و خانواده». مطالعات راهبردی زنان ۲۹ (۱۳۸۴): ۱۳۱-۱۵۱.
- مردیپا، مرتضی. «مبانی فلسفی فمینیسم رادیکال». فصلنامه سیاست ۲ (۱۳۸۷): ۲۲۵-۲۴۲.
- مشیرزاده، حمیرا. از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم. چاپ پنجم. تهران: شیرازه، ۱۳۹۰.
- میشل، آندره. جنبش زنان: فمینیسم. ویرایش اول. ترجمه هما زنجانی‌زاده. تهران: نیکا، ۱۳۸۳.
- نوذری فردوسی، محمد. «سقط‌جنین در حقوق اسلامی و فمینیسم». مطالعات راهبردی زنان ۲۸ (۱۳۸۴):

۸۲-۴۴.

واسعی، فاطمه و محمدجواد صفر یزدی. *فمینیسم از فرازی خیالی تا فرودی واقعی*. چاپ اول. قم: وحی و خرد، ۱۳۹۵.

یزدانی، عباس و بهروز جندقی، مترجم. *فمینیسم و دانش‌های فمینیستی*. قم: دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، ۱۳۸۸.

ب) منابع خارجی

Abbott, Pamela, Claire Wallace and Melissa Tyler. *An introduction to sociology*. 2nd Ed. London: Routledge, 2005.

Barrett, Michèle. *Women's Oppression Today*. 3rd Ed. New York: Verso, 2014.

Bearak, Jonathan, Anna Popinchalk, Bela Ganatra, Ann-Beth Moller, Özge Tunçalp, Cynthia Beavin, Lorraine Kwok and Leontine Alkema, "Unintended pregnancy and abortion by income, region, and the legal status of abortion: estimates from a comprehensive model for 1990–2019", *Lancet Glob Health* 8(2020): 52-61, July 22, 2020. [https://doi.org/10.1016/S2214-109X\(20\)30315-6](https://doi.org/10.1016/S2214-109X(20)30315-6).

Brown, George w, Patricia m. Moran. "Single mothers, poverty and depression." *Psychological Medicine* 27(1997): 21-33.

Carbone, June R. "A Feminist Perspective on Divorce." *The Future of Children* 4 (1994): 183-209. doi:10.2307/1602484

Center for Reproductive Rights. "Center for Reproductive Rights." April 26, 2019. <https://reproductiverights.org/worldabortionlaws>.

Christensen, Bryce J. *Divided We Fall: Family Discord and the Fracturing of America*. 1st Ed. New Brunswick, N.J.: Transaction Publishers, 2006.

D.gairdner, William. *The war against the family*. 2nd Ed. Canadian: stoddart, 1993.

De Beauvoir, Simone. *The Second Sex*. 1st Ed. Translation by Constance Borde and Sheila Malovany-Chevallier. New York: vintage, 2011.

De Marneffe, Daphne. *Maternal desire*, 2nd Ed. New York: Simon & Schuster, 2019.

European Statistical Office. "eurostat". July 9, 2020. <https://bit.ly/3b1iRVI>.

Georgetown University Law Center. "Georgetown Law". Jul 29, 2020. <https://guides.ll.georgetown.edu/c.php?g=592919&p=4182201>.

Giddens, Anthony. *Sociology*. 5th Ed. UK: Polity press, 2006.

GILBERTA, NEIL. *Mother's Work: How Feminism, the Market, and Policy Shape Family Life*, United States: Yale University, 2008.

Grant Bowman, Cynthia and Elizabeth M. Schneider. "Feminist Legal Theory, Feminist Lawmaking, and the Legal Profession", *Fordham Law Review* Volume 67(1998): 249-271.

Guidice, Lauren. "New York and Divorce: Finding Fault in a No-Fault System." *JL & Pol'y* 19(2011): 787-826.

James, Susan. "Sexual oppression and emancipation". *Feminism*, 1998, doi:10.4324/9780415249126-N022-1. Routledge Encyclopedia of Philosophy, Taylor and Francis, <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/feminism/v-1/sections/sexual-oppression-and-emancipation> (July 9, 2020).

James, Susan. The pervasiveness of male domination. *Feminism*, 1998, doi:10.4324/9780415249126-N022-1. Routledge Encyclopedia of Philosophy, Taylor and Francis, <https://www.rep.routledge.com/articles/thematic/feminism/v-1/sections/the-pervasiveness-of-male-domination> (July 9, 2020).

Juozulynas, Linas and Krzysztof Śmiszek. *The Equal Jus Legal Handbook to LGBT Rights in Europe*, 2011.

Mackay, Finn. *Radical Feminism*. 1st Ed. New York: palgrave macmillan, 2015.

National Vital Statistics System. "Centers for Disease Control and Prevention." May 5, 2020. <https://www.cdc.gov/nchs/fastats/marriage-divorce.htm>.

Ritzer, George. *Sociological Theory*. 8th Ed. New York: McGraw-Hill, 2011.

Rose, Hilary. A. "Canada's same-sex marriage law: Exception to or exemplar of Canada's family policy?." *Journal of Child and Family Studies* 21(2012): 88-94]

Sands, Roberta G, and Kathleen E. Nuccio. "Mother-headed single-parent families: A feminist perspective." *Women and Social Work*. 4(1989): 25-41]

Shreeves, Rosamund, *The rights of LGBTI people in the European Union*. (European Union: European Parliamentary Research Service: 2020), 2.

Slater, Courtenay M. "Divorce, Child Custody, and Child Support." *Special Studies* 84(1979): 1-29]

Statista. "Number of divorces in Sweden from 2011 to 2021." <https://www.statista.com/statistics/523949/sweden-total-number-of-divorces/>.

Taylor, Verta and Leila J. Rupp. "Women's culture and lesbian feminist activism: A reconsideration of cultural feminism." *Signs: Journal of Women in Culture and Society* 19 (1993): 32-61.

Tobias, Sheila. *Faces of feminism*. London: Routledge, 2014.

U.S. Census Bureau. " Census Bureau." February, 2020, <https://www.census.gov/library/publications/2018/demo/p60-262.html>.

U.S. Census Bureau. " Census Bureau." September 18, 2019. <https://www.census.gov/library/stories/2019/09/where-same-sex-couples-live.html>.

Wardle, Lynn D. "No-fault divorce and the divorce conundrum." *Byu Law Review* 79(1991): 79-142]

Wikimedia Foundation. "Wikipedia, the free encyclopedia." August 7, 2020. https://en.wikipedia.org/wiki/LGBT_rights_in_Europe.

Zinn, Maxine Baca. "Feminism and family studies for a new century". *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 571(2000): 42-56.